

نکته‌هایی درباره‌ی رایج‌ترین الگوهای تربیتی در خانواده‌های امروزی



پرسش:

به‌طور معمول دیده می‌شود که شیوه‌های رفتار با بچه‌ها در خانواده‌های مختلف، به‌صورت‌های متفاوتی اعمال می‌شود. آیا در این‌باره مطالعه‌ای شده است و بهترین روش در کدام دسته از خانواده‌ها اعمال می‌شود؟

پاسخ:

اعمال، رفتار و شکل‌گیری شخصیت کودکان و یادگیری‌های اولیه، به‌طور کامل در خانواده شکل می‌گیرد. طرز تفکر، احساس، نگرش و رفتار پدر و مادر در شخصیت فرزندان، بسیار مؤثر است و چه‌بسا روش‌های اشتباه می‌تواند به بیماری‌های عصبی و مشکل‌های رفتاری فرزندان منجر شود.

شایع‌ترین الگوهای رایج تربیتی خانواده، به شکل زیر، قابل شناسایی هستند:

۱) خانواده‌ی کنترل‌کننده

این نوع خانواده‌ها، مرتب دستور می‌دهند، بدون آن که برای این دستورها، دلیلی داشته باشند یا درباره‌ی آن با فرزندان‌شان گفت‌وگویی کنند. از فرزندان خود، انتظاراتی بیش از توان‌شان دارند. فرزندان که در چنین خانواده‌هایی رشد می‌کنند، به‌طور معمول سرکش، زورگو، ناتوان، خشمگین، گوشه‌گیر و منفعل بارمی‌آیند. در چنین خانواده‌هایی، رابطه‌ی عاطفی عمیقی با کودک برقرار نمی‌شود. این دسته از مادران و پدران، بیشتر وقت‌ها بسیار سخت‌گیر و یک‌دنده هستند و گاهی نیز دست به تنبیه فرزند، چه روحی و چه جسمی می‌زنند.

۲) خانواده‌های دوست‌داشتنی و بیش از حد صمیمی

این‌گونه خانواده‌ها، بیشتر وقت‌ها خواسته‌های کودکان خویش را بی‌هیچ قید و شرط و محدودیتی برآورده می‌کنند. این گروه از پدران و مادران تصور می‌کنند هرگز نباید به فرزندان خود «نه» بگویند و همه‌ی خواسته‌های آنان را بی‌چون و چرا باید انجام دهند. کودکانی که در چنین محیطی تربیت می‌شوند، قادر نیستند خواسته‌های خویش را به تأخیر بیندازند؛ چراکه آنان عادت کرده‌اند هرچه را که می‌خواهند، بلافاصله دریافت کنند. این‌گونه کودکان، افرادی غیراجتماعی و با روحیه‌ی «طلبکار» بار می‌آیند.

۳) خانواده‌های آشفته

در این گروه از خانواده‌ها، پدران و مادران همواره در کشاکش اختلاف‌ها و مشاجره‌ها گرفتار هستند؛ بنابراین فرصت و حوصله‌ای برای پرداختن به تربیت کودکان خود را ندارند. از سویی، فرزندان آنان نیز که، مدام شاهد این بگومگوها و اختلاف‌ها هستند، علاقه‌ای به تشکیل زندگی خانوادگی در بزرگسالی از خود نشان نمی‌دهند؛ چراکه الگویی از یک خانوادگی آرامش‌بخش، مهربان و یاری‌گر در ذهن ندارند و در صورت ازدواج نیز ناسازگاری و طلاق در میان این نوع افراد که در خانواده‌های آشفته بزرگ شده‌اند، بسیار شایع است.

۴) خانواده‌های بی‌تفاوت

در این خانواده‌ها، هیچ معیار و الگوی تربیتی و یا آموزشی برای کودکان وجود نداشته و نظام مشخصی برای تعادل دادن به رابطه‌ی بین کودکان با یکدیگر و پدر و مادر با کودکان برقرار نیست. بنابراین، کودکانی که در این‌گونه خانواده‌ها بزرگ می‌شوند، به‌اصطلاح «خودکار» و بدون برنامه‌ی معینی، دوران کودکی و نوجوانی خود را طی می‌کنند و آینده‌ی روشنی در برابر خود ندارند.

۵- خانواده‌های ایده‌آل

این خانواده‌ها، کودکان خود را با هدف‌هایی مشخص و آگاهانه، به جهتی سوق می‌دهند که در بزرگسالی، افرادی مسؤولیت‌پذیر، شاد، صادق، اجتماعی و مفید برای خود و دیگران باشند. زندگی و رشد در خانواده‌های ایده‌آل، علاوه بر مزیت‌های یادشده، کودکان را نیز از ابتلا به بیماری‌های عصبی و اختلال‌های رفتاری حفظ می‌کند. این خانواده‌ها به کودکان خود کمک می‌کنند تا در مواجهه با مسایل آینده‌ی زندگی خویش، برخوردی متعادل و به دور از واکنش‌های احساسی یا انفعالی از خود نشان‌دهند. این کودکان، در بزرگسالی، سررشته‌ی زندگی و سرنوشت خود را، خودشان در دست می‌گیرند و همواره برای یک زندگی پویا و سالم، برنامه‌ریزی کرده و بر توانایی‌های شخصی خویش تکیه می‌کنند.

جهت تهیه‌ی کتاب‌های دکتر شیرین نوروی با دفتر مجله تماس بگیرید.
برای تعیین وقت مشاوره‌ی تلفنی با خانم دکتر شیرین نوروی با تلفن‌های
۰۹۱۲۳۴۳۴۲۹۳ و ۰۹۱۲۵۷۸۱۳۶۶
تماس حاصل فرمایید.